

زیگموند فروید

پنج گفتار دربارہ

روانکاوی

ترجمہ دکتر حسن مصطفوی

فهرست مطالب

۵	پیش‌گفتار مترجم
۱۱	گذری بر زندگی زیگموند فروید
۱۹	بخش نخست: متن گفتارها
۲۱	گفتار نخست
۳۸	گفتار دوم
۴۹	گفتار سوم
۶۵	گفتار چهارم
۷۸	گفتار پنجم
۹۰	مسئله روانکاوی توسط غیرپزشکان
۱۸۷	واژه‌نامه

در کتابی که آنورت در مقدمه‌ای مکارس به این مسئله اشاره نموده است، مذکور شده که این مسئله از این‌جا
استفاده شده است. حالب آنکه از نظر زمان میان به قلم آوردن این دو
مسئله تردیدگر نه بست سال تراصمه است و نه همین حسب خواهد شد
من قرآنی به مطالعه آنها ناضر نگشتم. فرضیه روانکاوی از آنکه پس از آغاز
ناجندی قلی از تکامل آن باشد در میان کارهای فروید که برای معرفی
روانکاوی توجه نشده است، شاید از همه مهم‌ترین مبانی
سخنرانی خواهد بود که در زمان سیگ‌چهارچین اول در داشتنگاه وین ایجاد

پیش‌گفتار مترجم

پروفسور فروید در سراسر عمر پرافتخار خود شوق این داشت که شرح مختصر آخرین فرضیه‌ها و یافته‌های خود را به زبان ساده و بدون به کار بردن واژه‌های سنگین فنی در دسترس عموم گذارد. مقصود اصلی از این عمل شناساندن روانکاوی به طبقه روشنفکر و خواهان اطلاعات تازه بود تا شاید از این شناسایی دهان مخالفین یاوه‌گو که اذهان عمومی را روی اغراض شخصی علیه این دانش جدید تیره می‌کردند بسته شود و در ضمن دفاعیه‌ای هم در مقابل آن عده که از روی منطق صحیح یا غلط به روانکاوی بدین بودند عرضه شده باشد.

تعداد این نوشته‌های «غیرفنی» شاید بیش از پانزده باشد که از آن جمله می‌توان آخرین تأییف فروید را نام برد. در کتابی که اکنون به نظر خواننده می‌رسد از دو نوشته فروید که به روش مردم‌پسند نگارش یافته استفاده شده است. جالب آنکه از نظر زمان میان به قلم آوردن این دو نوشته نزدیک به بیست سال فاصله است و به همین سبب خواننده می‌تواند به مطالعه آنها ناظر تکامل فرضیه روانکاوی از اندکی پس از آغاز تا چندی قبل از تکمیل آن باشد. در میان کارهای فروید که برای معرفی روانکاوی نوشته شده است شاید از همه مهمتر متن سلسله سخنرانی‌هایی است که در زمان جنگ جهانی اول در دانشگاه وین ایراد

اعتقاد بیشتر داشت و درباره زمان اقامت در امریکا و تهیه متون سخنرانی چنین می‌نویسد «هر صبحگاه قبل از آنکه زمان سخنرانی فرا رسد با هم در مقابل ساختمان دانشگاه قدم می‌здیم و از او (ساندور فرنچی) می‌خواستم تا درباره آنچه باید بگوییم پیشنهاداتی بدهد. او نیز مختصراً می‌گفت و من با استفاده از گفته‌هایش نیم ساعت بعد سخنرانی خود را ایراد می‌کرد». در واقع فروید تا یک سال بعد از سفر آمریکا متن گفته‌های خود را که به زبان آلمانی ایراد شده بود بر روی کاغذ نیاورده اما طبق نوشته ارنست جونز آنچه بعدها به قلم آمد کوچکترین اختلافی با آنچه یک سال قبل از آن گفته شده بود نداشت و این خود شاهد میزان حضور ذهن فروید است.

متن سخنرانی‌ها برای اولین بار از روی ترجمه اچ- دابلوجیس^۱ به زبان انگلیسی در سال ۱۹۱۰ در مجله روانشناسی آمریکا^۲ به طبع رسید و اصل آلمانی نیز اندکی بعد در اروپا منتشر شد.

در عرض یکی دو سال پس از انتشار متون سخنرانی این نشریات چون برگ زر خریدار یافت، به زبان‌های عمده جهان ترجمه شد و در حقیقت سبب اصلی گردید تا فروید در محافل جهان شناخته شود. ناگفته نماند که شهرت فروید در همه جا همراه با تحسین نبود و به عنوان نمونه‌ای از عکس العمل مخالف کافی است انتقاد یک دانشمند کانادایی در اینجا بازگو کنیم «با خواندن این متون هر خواننده ساده‌دل تصور خواهد کرد که فروید خواستار آزادی آمیزش جنسی، از میان بردن قوانین اجتماعی و بازگشت به دوران بربریت است».

امروز دیگر تصور نمی‌رود خواننده این سطور از قرائت نوشته فروید دچار شگفتی و ملالت خاطر شود، هر چند بدون شک تفکر درباره آنچه

گردید و تحت عنوان «دروس مقدماتی در روانکاوی» مشهور است. از دو نوشهای که مجموعاً این مجلد را تشکیل می‌دهد اولین آنها متن یک سلسله سخنرانی دیگر است که بسیار کوتاه‌تر از سلسله مشهور به دروس مقدماتی در روانکاوی است و قبل از جنگ جهانی اول یعنی در ۱۹۰۹ میلادی ایراد شده است. تا آن سال شهرت فروید فقط در چند محفل کوچک در شهرهای وین و زوریخ وجود داشت و از این روی هنگامی که در ماه دسامبر ۱۹۰۸ دعوتنامه‌ای از آمریکا برای فروید رسید باعث تعجب و خوشوقتی او و شاگردانش شد. دعوت مذکور از جانب روانشناس مشهور آمریکایی استانلی هال^۳ بود که در آن زمان ریاست دانشگاه کلارک در ایالت ماساچوست را بر عهده داشت و از فروید خواسته بود تا به مناسبت بیستمین سال تأسیس دانشگاه کلارک پنج سخنرانی در ماه سپتامبر ۱۹۰۹ میلادی طی مراسم رسمی ایراد کند.

خوشوقتی فروید را می‌توان در میان خطوط خاطرات او در این باره احساس کرد: «چون قدم بر روی سکوی سخنرانی دانشگاه کلارک گذارد ناگاه حس کردم که بر رؤیاهای هر روزهای جامه عمل پوشانیده شد، که دیگر روانکاوی میوه یک امید بی‌حاصل نیست بلکه بخشی از یک حقیقت انکارناپذیر است».

کارل گوستاو یونگ^۴ که در آن زمان معاون اول فروید شناخته می‌شد با استاد همسفر بود و در دانشگاه کلارک دو سخنرانی ایراد کرد و همانند استاد مفتخر به دریافت درجه علمی افتخاری گردید. از مریدان فروید که خود بعدها صاحب عنوان شدند ارنست جونز^۵، ا. ا. بریل^۶ و ساندور فرنچی^۷ نیز در این سفر همراه بودند. از میان آنها فروید به ساندور فرنچی